

The Relationship between Chief Financial Officer (CFO) Characteristics and Financial Reporting Quality¹

Mohamad Hosein Safarzade bandari², Mohamadreza Asiaee³,
Zahra Rezaeefar⁴

Received: 2023/11/07
Accepted: 2024/02/03

Research Paper

Abstract

In recent years, the issue of the position of senior CFOs due to their increasing responsibility regarding monitoring financial reporting and corporate governance systems, has attracted the attention of many researchers and experts. Considering the position and strategic position of CFOs in the economic and financial decisions of the company, it is necessary to understand their role and position in the company's financial reporting process. Therefore, the current research has investigated the relationship between some characteristics of senior CFOs, including their gender, tenure, and audit history with the quality of financial reporting. To measure the quality of financial reporting, was used the optional accruals index (Kasznik model); Also, CFOs in this research mean the highest financial authority of the company. Using a sample of 135 companies admitted to the Tehran Stock Exchange during the years 2015 to 2021 and using a multiple regression model to analyze the data, the research results show that the increase in tenure and the presence of women as CFO in the company causes reduces the quality of financial reporting. Also, the results of the research regarding the negative impact of CFOs with audit experience on the quality of financial reporting do not have the necessary significance. In total, the obtained evidence shows the significant role of CFOs in the structure of corporate governance and financial reporting, which indicates the need for legislators to pay special attention to this position.

Keyword: Quality of Financial Reporting, Tenure of CFO, Gender of CFO, Audit History, Discretionary Accruals.

JEL Classification: G32, G39

1. DOI: 10.22051/JERA.2024.45331.3173

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (hosein470@gmail.com).

3. M.Sc. Department of Accounting, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author), (asiayi1365@gmail.com)

4. M.Sc. Department of Accounting, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (rezaeifar.zahra@yahoo.com).

رابطه بین ویژگی‌های مدیر مالی و کیفیت گزارشگری مالی^۱

محمدحسین صفرزاده بندری^۲، محمدرضا آسیایی^۳، زهرا رضایی فر^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

مقاله پژوهشی

چکیده

موضوع جایگاه مدیران مالی به دلیل مسئولیتشان در نظارت بر گزارشگری مالی، توجه بسیاری از محققان را به خود جلب نموده است. با عنایت به جایگاه استراتژیک مدیران مالی در تصمیمات اقتصادی و مالی شرکت، درک نقش آنها در فرایند گزارشگری مالی ضروری می‌باشد؛ لذا هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین ویژگی‌های مدیران ارشد مالی (شامل جنسیت، دوره تصدی و سابقه حسابرسی) با کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد. جهت سنجش گزارشگری مالی با کیفیت از معیار ارقام تعهدی اختیاری (مدل کازنیک) استفاده شده؛ همچنین منظور از مدیران مالی در پژوهش حاضر، بالاترین مقام مالی شرکت می‌باشد. قلمرو زمانی پژوهش بازه زمانی طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ بوده و از مدل رگرسیون چندگانه جهت تحلیل داده‌ها استفاده شده است. نتایج پژوهش مبین این موضوع است که افزایش دوره تصدی و حضور زنان به عنوان مدیر مالی در شرکت، سبب کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. همچنین نتایج پژوهش در خصوص تاثیر منفی مدیران مالی با سابقه حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی از معنی داری لازم برخوردار نمی‌باشد. در مجموع شواهد حاصل شده مبین نقش قابل ملاحظه مدیران مالی در ساختار حاکمیت شرکتی و گزارشگری مالی بوده که ضرورت توجه خاص قانون‌گذاران به این جایگاه را مشخص می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت گزارشگری مالی، دوره تصدی مدیر مالی، جنسیت مدیر مالی، سابقه حسابرسی، ارقام تعهدی اختیاری.

طبقه بندی موضوعی: G32، G39.

10.22051/JERA.2024.45331.3173 :DOI ۱

۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (hosein470@gmail.com).

۳. کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول). (Asiayi1365@gmail.com).

۴. کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (rezaeifar.zahra@yahoo.com).

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

کاربران صورت‌های مالی از جمله سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، نهادهای حرفه‌ای و قانونی و سایر استفاده‌کنندگان، برای تحلیل وضعیت فعلی و پیش‌بینی عملکرد آتی شرکت، اقدام به تجزیه و تحلیل اطلاعات راجع به بنگاه‌های تجاری می‌نمایند و یکی از مهمترین منابع اطلاعاتی مورد استفاده آن‌ها گزارش‌های مالی شرکت‌های مزبور می‌باشد. لذا یکی از اهداف گزارشگری مالی ارائه اطلاعاتی مربوط و منصفانه به ذینفعان به منظور تصمیم‌گیری مطلوب می‌باشد. در صورتی که گزارش‌های مالی از کیفیت لازم برخوردار نباشد، عدم تقارن اطلاعاتی و به تبع آن نوسانات بازار سهام به احتمال زیاد افزایش یافته و هزینه معاملات به دلیل مشکل انتخاب نامطلوب افزایش می‌دهد. هزینه معاملات بالاتر مانع از فعالیت بهینه بازار سهام و کاهش عملکرد آن می‌شود که این ممکن است احساسات منفی را در میان فعالان بازار ایجاد کند که منجر به عدم اطمینان بیشتر در بازار می‌شود (کوهلبک و لو^۱، ۲۰۱۹). با عنایت به استفاده گسترده از گزارش‌های مالی توسط تحلیل‌گران، سرمایه‌گذاران و سایر کاربران، میزان کیفیت آن همواره مورد توجه محققان و مراجع حرفه‌ای قرار داشته است. با عنایت به اهمیت کیفیت گزارشگری مالی و تاثیر آن بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش ریسک تصمیم‌گیری، شناسایی عوامل تاثیرگذار بر آن ضروری می‌باشد.

از طرفی مطالعات صورت گرفته در حوزه مدیریت و اقتصاد، بر نقش مدیران مالی در ایجاد ارزش برای شرکت تاکید کرده (دیربورن و سایمون^۲، ۱۹۵۸) و این گونه نتیجه‌گیری شده که تفاوت در نگرش‌ها، دانش و تجربه مدیر مالی، می‌تواند منتج به تصمیمات استراتژیک متفاوت توسط آنها شود. همچنین ارزش‌های شناختی و سوگیری‌های رفتاری توسط آن‌ها، می‌تواند در تصمیمات شرکت در خصوص گزارشگری مالی تاثیرگذار باشد (فو و ژانگ^۳، ۲۰۱۹). برخی ادبیات موجود (نظیر گایگر و نورت^۴، ۲۰۰۶ و دیل^۵، ۲۰۱۳) اذعان دارند که مدیران مالی از طریق انتقال دانش و تجربه خود، نقش قابل ملاحظه‌ای در تصمیمات استراتژیک شرکت در زمینه سیاست‌های مالی، سرمایه‌گذاری و عملیاتی دارند. در مقایسه با سایر مدیران در سازمان، تخصص، ظرفیت‌های علمی در حوزه مالی و نیز انگیزه‌های شخصی مدیران مالی، بر این موضوع که چه اطلاعاتی و در چه زمانی نیاز به گزارش

1. Kohlbeck and Luo
2. Dearborn and Simon
3. Fu and Zhang
4. Geiger and North
5. Dill

دارند، تاثیر قابل توجهی بر گزارشگری مالی خواهد داشت (گایگر و نورث، ۲۰۰۶). کوهلبگ و لو (۲۰۱۹) به بررسی رابطه بین انگیزه‌های جبران خدمات مدیر مالی با کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. نتایج پژوهش مبین این است که مشوق‌های جبران خدمات مدیر مالی با بهبود کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت و معنی داری دارد.

با عنایت به اهمیت جایگاه مدیران مالی و تاثیر آن‌ها بر تصمیمات اقتصادی و مالی شرکت و نیز نقطه نظرات متفاوت و بعضاً متضاد در خصوص تاثیر ویژگی‌های مدیران مالی نظیر جنسیت، سابقه حسابرسی و دوره تصدی آن‌ها بر فرایند گزارشگری مالی شرکت، درک رابطه بین خصوصیات ذکر شده با کیفیت گزارشگری مالی به منظور بهبود دانش استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی نسبت به میزان کیفیت گزارشات مذکور ضروری می‌باشد؛ لذا در پژوهش حاضر به بررسی تاثیر برخی ویژگی‌های مدیر مالی شامل دوره تصدی، جنسیت و سابقه حسابرسی مدیر مالی بر کیفیت گزارشگری مالی پرداخته شده است. اغلب مطالعاتی که به مطالعه عوامل موثر بر گزارشگری مالی پرداخته شده، نقش مدیران ارشد سازمان نظیر مدیرعامل و هیئت مدیره را مورد بررسی قرار داده و یا به مطالعه تاثیر کلی مدیران شرکت نظیر مدیرعامل، اعضای کمیته حسابرسی و ... به عنوان یک کل پرداخته‌اند. لذا از این بابت که در مطالعه حاضر تاثیر ویژگی‌های مدیران مالی مورد بررسی قرار می‌گیرد، این پژوهش دارای نوآوری می‌باشد. نتایج این مطالعه سیاست‌گذاران را قادر می‌سازد درک بهتری در خصوص نقش مدیران مالی در ارتقای حاکمیت شرکتی و همچنین تاثیر ویژگی‌های آنها بر گزارشگری مالی داشته باشند. در ادامه به تبیین مبانی نظری مرتبط با موضوع تحقیق، روش پژوهش و نتایج حاصل شده از آزمون فرضیه‌ها پرداخته شده است.

مبانی نظری و مطالعات تجربی

کیفیت گزارشگری مالی

کیفیت گزارشگری مالی به طور کلی به میزان قابلیت درک، قابلیت اتکا، مربوط بودن و قابل مقایسه بودن اطلاعات مالی ارائه شده توسط شرکت به منظور پشتیبانی از تصمیمات اتخاذ شده مبتنی بر صورت‌های مالی و کاهش ریسک تصمیم‌گیری در این رابطه، اشاره دارد (داس^۱ و

همکاران، ۲۰۱۷). به دلیل اینکه گزارش‌های مالی به صورت گسترده مورد استفاده‌ی تحلیل‌گران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی قرار می‌گیرد، میزان سودمندی و کیفیت آن اغلب مورد توجه دانشگاهیان، محققان و مجامع حرفه‌ای قرار داشته است. همچنین تحقیقات گسترده‌ای در خصوص عوامل موثر بر کیفیت گزارشگری مالی صورت پذیرفته و مبین تاثیر منفی مدیریت سود بر کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد (هاپ^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). از آنجا که استانداردهای حسابداری رهنمود مشخصی برای مشاهده کیفیت اطلاعات گزارش شده در حوزه مالی ارائه نمی‌کند، ادبیات حسابداری و مالی شاخص‌هایی جایگزین برای سنجش آن ارائه داده اند (فرانسیس^۲ و همکاران، ۲۰۰۴). این شاخصها از یک سو مبتنی بر ویژگی‌های سود حسابداری نظیر میزان نوسان، قابلیت پیش‌بینی، کیفیت اقلام تعهدی و مدیریت بوده و از سوی دیگر ویژگی‌های مبتنی بر بازار مانند ارتباط ارزشی، به موقع بودن و ارائه محافظه‌کارانه را شامل می‌شود. لذا مدیریت سود درجه اعمال نظر مدیریت در فرایند ارائه اطلاعات بوده که کاهش کیفیت گزارشگری مالی را به دنبال دارد (هان^۳ و همکاران، ۲۰۱۰). به طور خاص مدیریت سود زمانی واقع می‌شود که مدیریت شرکت در فرایند گزارشگری مالی نقطه نظرات و نفوذ خود را دخیل نموده و به منظور گمراهی برخی ذینفعان در خصوص عملکرد واقعی شرکت، اطلاعات حقیقی که لازم است طبق استانداردهای حسابداری در صورت‌های مالی گزارش شوند را تغییر دهند. فرصت مدیریت سود تا حدودی از این واقعیت ناشی می‌شود که سود حسابداری از دو جزء تشکیل می‌شود: ۱- جزء نقدی ۲- جزء تعهدی. در حالی که اندازه گیری جریان نقدی تا حدودی راحت بوده و مبتنی بر جریان واقعی ورود و خروج وجه نقد به شرکت می‌باشد، سنجش اقلام تعهدی عموماً مستلزم میزان قابل توجهی از قضاوت و اختیار مدیران است (برگسترسر^۴ و همکاران، ۲۰۰۶). فرصت قضاوت مدیریتی (که عموماً در خدمت گزارش صادقانه همه پدیده‌های اقتصادی می‌باشد) فضایی را برای اختیارات نامطلوب مدیران فراهم می‌کند. در نتیجه آنها می‌توانند بر اقلام تعهدی تاثیر گذار باشند؛ چرا که ذینفعان به طور کامل نمی‌توانند اختیار مدیران در مورد اقلام تعهدی را مشخص نمایند. این موضوع می‌تواند میزان انعطاف پذیری مدیران در دستکاری سود حسابداری و کاهش کیفیت

1. Hope
2. Francis
3. Han
4. Bergstresser

گزارشگری مالی تاثیرگذار بوده و به تبع کاهش کیفیت گزارشگری مالی، عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک تصمیم‌گیری افزایش می‌یابد.

نقش مدیران مالی در سیاست‌های مالی شرکت

پس از تصویب قانون ساربنز اکسلی^۱ در سال ۲۰۰۲، مدیران عامل و مالی مکلف شدند صحت و کامل بودن گزارش‌های مالی سالانه و فصلی شرکت را تایید نمایند. قانون مذکور با انتقال مسئولیت بیشتر به مدیران ارشد مذکور، در راستای افزایش قابلیت اتکای صورت‌های مالی و کفایت افشای اطلاعات و به تبع آن بهبود اعتماد سرمایه‌گذاران به بازار سرمایه گام برداشت (موتاکین و تانونسکی^۲، ۲۰۱۹). طی سنوات گذشته در ایران نیز با عنایت به اهمیت و جایگاه مدیران مالی، تکالیف و اختیارات قابل ملاحظه‌ای طبق قوانین و مقررات مصوب برای این سمت در نظر گرفته شده است:

تبصره ۴ ماده ۳ دستورالعمل حاکمیت شرکتی ناشران ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار: "اعضای هیئت مدیره در خصوص موضوعاتی که دارای آثار مالی با اهمیتی بر شرکت بوده یا مشمول قانون تجارت، لایحه قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، قانون بازار بهادار جمهوری اسلامی، قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید و مقررات سازمان بورس و اوراق بهادار باشد، باید پس از استماع گزارش بالاترین مقام مالی شرکت تصمیم‌گیری نمایند."

همچنین طبق ماده ۳۲ دستورالعمل فوق الذکر: "در صورتی که تصویب صورت‌های مالی در دستور کار جلسه مجمع باشد، حضور بالاترین مقام مالی در زمان طرح و رسیدگی به صورت‌های مالی الزامی است."

ماده ۱۴ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد: "بازرسان، کارشناسان رسمی، حسابرسان و حسابداران، ممیزین، ذی حسابها، ناظرین و سایر اشخاصی که مسؤول ثبت یا رسیدگی به اسناد، دفاتر و فعالیت‌های اشخاص حقیقی و حقوقی در حیطه وظایف خود می‌باشند موظفند در صورت مشاهده هرگونه فساد موضوع این قانون، چنانچه ترتیباتی در قوانین دیگر نباشد، مراتب را به مرجع نظارتی یا قضائی ذی صلاح اعلام نمایند."

1. Sarbanes-Oxley

2. Muttakin, Tanewski

ماده ۲۷۶ قانون مالیات‌های مستقیم: " چنانچه هر یک از حسابداران، حسابرسان و هم‌چنین موسسات حسابرسی، ماموران مالیاتی و کارکنان بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری در ارتکاب جرم مالیاتی معاونت نمایند و یا تخلفات صورت گرفته را گزارش نکنند به حداقل مجازات مباشر جرم محکوم می‌شوند."

بررسی ادبیات نظری نشان می‌دهد که دیدگاه محققان در خصوص نقش مدیران مالی در تصمیمات شرکت در طول زمان تغییرات چشمگیری داشته است. تحقیقات اولیه میزان تاثیرگذاری مدیران مالی بر سیاست‌های استراتژیک شرکت‌ها را کمتر از مدیر عامل و هم‌سطح با سایر مدیران قرار داده است (آیر^۱ و همکاران، ۲۰۰۵). لذا این تحقیقات عمدتاً بر نقش مدیرعامل و یا تیم مدیریت شرکت به عنوان یک کل تمرکز داشته‌اند (جی^۲ و همکاران، ۲۰۱۱؛ کیم^۳ و همکاران، ۲۰۱۱؛ قدرتی زوارم و همکاران، ۱۴۰۰). به عنوان مثال زلفی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی رابطه میانگین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مدیران ارشد (مدیرعامل، نایب رئیس هیئت مدیره، مدیر مالی و رئیس کمیته حسابرسی) و راهبرد مدیریت سود پرداختند که حکایت از تاثیر برخی ویژگی‌های مدیران (به عنوان یک کل) بر مدیریت سود دارد. بائولی^۴ و همکاران (۲۰۱۸) رابطه ویژگی‌های مدیریت با مدیریت سود را مورد مطالعه قرار داده و به این نتیجه رسیدند که ویژگی جمعیت‌شناختی (شامل سن، جنسیت، تحصیلات و تجربه کار مالی) تیم مدیریتی بر هر دو نوع مدیریت سود (مدیریت سود تعهدی و مدیریت واقعی سود) تاثیرگذار بوده که این امر می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را تحت تاثیر قرار دهد. در همین راستا جامعی و نصیری (۱۳۹۸) به بررسی ارتباط جنسیت مدیران شرکت (در سطح هیئت مدیره و مدیرعامل) و محافظه کاری شرطی و غیرشرطی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که مدیران زن در قیاس با مدیران مرد محافظه کارتر می‌باشند. احمدپور و همکاران (۱۳۹۴) رابطه بین کیفیت سود و دوره تصدی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که مدیران عامل با دوره تصدی بلندمدت در مقایسه با مدیران عامل با دوره تصدی کوتاه مدت گزارشگری جسورانه‌تری دارند.

1. Aier
2. Ge
3. Kim
4. Baolei

با این حال مطالعات اخیر نشان می‌دهد که مدیران مالی نقش بسزایی در تصمیم‌گیری‌های شرکت به خصوص در حوزه گزارشگری مالی داشته (جی^۱ و همکاران، ۲۰۱۱) و بعضاً دارای تاثیر بیشتری بر گزارشگری مالی نسبت به سایر مدیران ارشد شرکت دارند. داس، برونسین و اسپیر^۲ (۲۰۱۷) رابطه اعتبار بین المللی مدیر ارشد با کیفیت گزارشگری مالی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داده که بهبود کیفیت گزارشگرهای مالی با اعتبار خارجی مدیر مالی در ارتباط بوده لیکن، این رابطه در خصوص مدیر عامل صادق نمی‌باشد. به عبارتی از نتایج پژوهش اینگونه استنباط میشود که در حوزه گزارشگری مالی، تحت شرایط خاص مدیران مالی به نوعی تاثیرگذار تر از مدیران عامل می‌باشند. حاجیها و آریان مفرد (۱۳۸۹) به مطالعه ارتباط درجه رفتار سیاسی مدیران ارشد مالی پرداخت. نتایج پژوهش مزبور نشان می‌دهد بین درجه سیاسی بودن مدیران مالی با متغیرهای نسبت عایدی هر سهم و بازده فروش ارتباط وجود دارد. همچنین سپاسی و حسنی (۱۳۹۵) تاثیر دینداری مدیران مالی با مدیریت سود تعهدی و واقعی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که افزایش سطح دینداری مدیران مالی سبب تمایل به استفاده از راهبرد مدیریت سود واقعی نسبت به دستکاری اقلام تعهدی می‌شود.

به طور کلی تحقیقات صورت گرفته حاکی از تاثیر قابل ملاحظه مدیر مالی بر سیاست‌های مالی شرکت می‌باشد. فلوراکیس و ساینانی^۳ (۲۰۲۱) بررسی تاثیر توانایی مدیر مالی بر میزان انعطاف پذیری مدیرعامل جهت مدیریت سود پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در شرکت‌هایی با مدیر مالی مقاوم، توانایی مدیرعامل جهت مدیریت سود کاهش می‌یابد. همچنین فو و ژانگ^۴ (۲۰۱۹) به بررسی تاثیر پیشینه فرهنگی مدیر مالی بر ریسک سقوط قیمت سهام در انگلستان پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد حضور مدیران مالی دارای سابقه فرهنگی اجتناب از عدم اطمینان، سبب کاهش ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود. این ارتباط در شرایط حضور مدیر مالی با قدرت نفوذ بیشتر، تشدید می‌شود. پژوهش جیانگ^۵ و همکاران (۲۰۱۵) به مقایسه تاثیر مدیرعامل و مدیر مالی بر مدیریت سود در شرکت پرداخت و دریافت که احتمال شکست تحلیل گران و میزان اقلام تعهدی اختیاری، به مشوق‌های مدیر مالی نسبت به مدیرعامل،

1. Ge

2. Dauth, Pronobis, Schmid

3. Florackis and Sainani

4. Fu and Zhang

5. Jiang

حساس تر می‌باشد. در پژوهش مشابه، کیم^۱ و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند که ریسک سقوط قیمت سهام شرکت به مشوق‌های سهام مدیر مالی حساس تر از مدیران عامل می‌باشد. وانگ^۲ و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که مدیران مالی در مقایسه با مدیران عامل، پس از خرید سهام شرکت بازده غیرعادی بیشتری کسب نموده که نشان می‌دهد معاملات مدیران مالی، هوشمندانه تر می‌باشد. فریر و ساینانی^۳ (۲۰۲۱) به بررسی ارتباط بین میزان نفوذ مدیر مالی بر تصمیمات شرکت در خصوص ادغام و اکتساب پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که مدیر مالی با نفوذ (اندازه‌گیری شده با شاخص‌های تجربه، دستمزد و قد مدیر مالی) اهداف شرکت را بهتر دنبال نموده و قدرت بیشتری در پیگیری اهداف شرکت دارند. در مجموع در ادبیات و مطالعات اخیر، شواهدی قابل تامل مبنی بر نقش مدیران مالی در تصمیمات اقتصادی و مالی شرکت مشاهده می‌شود.

بسط فرضیه‌های پژوهش

رابطه بین دوره تصدی مدیر مالی و کیفیت گزارشگری مالی

تحقیقات گذشته در حوزه رفتار سازمانی مبین وجود رابطه مثبت و معنی دار بین دوره تصدی و تعهد کارکنان می‌باشد. طبق فرضیه تخصص، مدیران مالی با سابقه طولانی تر، انباشت دانش بیشتری در خصوص محیط و ساختارهای شرکت داشته که در بهبود درک آنها نسبت به چارچوب گزارشگری مالی و انتقال موثر اطلاعات موثر خواهد بود. (علی و ژانگ^۴، ۲۰۱۵). در خصوص تاثیر دوره تصدی مدیران مالی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها، استدلال‌های متفاوت و بعضاً متضادی وجود دارد. برخی از صاحب نظران بر این باورند که با افزایش دوره تصدی، دانش مدیر مالی نسبت به شرکت و سیستم گزارشگری مالی و نیز توانایی و درک در تشخیص و تعیین اثرات نامطلوب کاهش کیفیت گزارشگری مالی افزایش یافته و تحت چنین شرایطی انگیزه ایشان جهت ممانعت از گزارشگری مالی تهاجمی افزایش می‌یابد (موتاکین و تانیوزکی^۵، ۲۰۱۹). مضافاً میلیبورن (۲۰۱۵) بر این باور است که افزایش دوره تصدی

1. Kim
2. Wang
3. Ferri and Sainani
4. Ali, Zhang
5. Muttakin, Tanewski

مدیر مالی سبب افزایش شهرت وی در محیط حرفه‌ای می‌شود؛ چرا که استنباط می‌شود دانش، تخصص و تعهد مدیر مالی هیئت مدیره شرکت را موجب به تداوم همکاری با وی نموده و این موضوع افزایش دوره تصدی را به دنبال دارد. پس از کسب شهرت، آنها انگیزه بیشتری برای حفاظت از اعتبار خود داشته و تحت چنین شرایطی، انتظار می‌رود صورت‌های مالی که به نوعی ماحصل کار مدیر مالی می‌باشد، با کیفیت بیشتری گزارش شود. بنابراین نگرانی در خصوص حفظ شهرت، مدیران مالی را تشویق می‌کند که از شیوه‌های حسابداری تهاجمی اجتناب نموده و در مقابل پیگیری این روش‌ها توسط هیئت مدیره مقاومت نمایند و نهایتاً، گزارشگری مالی با کیفیت تری در چنین شرایطی ارائه گردد. در همین راستا موتاकिन و تانونسکی (۲۰۱۹) تاثیر دوره تصدی مدیر مالی و عضویت وی در هیئت مدیره را بر سطح محافظه کاری حسابداری در شرکت‌های استرالیایی مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش مبین افزایش سطح محافظه کاری حسابداری در شرایط افزایش دوره تصدی و حضور مدیر مالی در هیئت مدیره می‌باشد.

علی و ژانگ (۲۰۱۵) معتقدند هر چند فعالان بازار سرمایه مدیران مالی را افرادی حرفه‌ای و با دانش می‌پندارند اما در مورد توانایی آنها در سال‌های اولیه خدمت به دلیل عدم تجربه و شناخت ناکافی نسبت به ساختار و محیط اطلاعاتی شرکت، تردید دارند. مدیران مالی با تجربه و تصدی طولانی تر، از اثرات منفی دستکاری گزارشگری مالی و نیز ضرورت ارائه اطلاعات با کیفیت آگاهی بیشتری داشته و تحت چنین شرایطی از نفوذ و اختیارات خود جهت افزایش کیفیت گزارشگری مالی استفاده می‌نمایند. با این حال گروهی از محققان بر این باورند افزایش دوره تصدی موجب نفوذ وی در سازمان شده و این موضوع می‌تواند سبب ارائه گزارش‌های غیرمنصفانه با هدف تامین منافع مدیران مزبور گردد. با عنایت به مبانی نظری اشاره شده فوق، انتظار بر این است که بین دوره تصدی مدیر مالی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود داشته باشد. لذا فرضیه اول به شرح ذیل صورت‌بندی شده است:

H₁: بین دوره تصدی مدیر مالی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

رابطه جنسیت مدیر مالی و کیفیت گزارشگری مالی

ادبیات حوزه مالی در سالیان اخیر در خصوص تاثیر جنسیت مدیران بر تصمیمات شرکت توسعه یافته است (ترجسن^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). احتمالاً این رویکرد به تبع الزامات مقرراتی در

برخی کشورهای اروپایی مبنی بر اینکه شرکت‌ها باید حداقل نسبی از کرسی‌های هیئت مدیره را در اختیار زنان قرار دهند، شکل گرفته و مطالعات انجام شده نظیر آدامز و فررا^۱، لو^۲ و همکاران، ۲۰۱۴ و گل^۳ و همکاران، ۲۰۱۱، عمدتاً بر نقش مدیران زن بر تصمیمات شرکتی متمرکز بوده است. ادبیات روانشناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد نشان می‌دهد که بین استدلال اخلاقی و تفکر توسعه‌ای زنان و مردان تفاوت با اهمیتی وجود دارد که منتج به جهت‌گیری‌های اخلاقی و متفاوت توسط آنها می‌شود (عکاه^۴، ۱۹۸۹). آیر^۵ و همکاران (۲۰۰۵) معتقد است در یک موقعیت چالشی دارای ریسک، مردان به احتمال فراوان به دلیل ریسک‌پذیری بیشتر استراتژی پذیرش ریسک و زنان، گزینه اجتناب از ریسک را انتخاب می‌نمایند. بویان^۶ و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی تاثیر حضور مدیران زن در هیئت مدیره و کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی و حق الزحمه حسابرسی پرداختند. با استفاده از شاخص‌های مدیریت سود واقعی و حق الزحمه حسابرسی به عنوان نماینده حاکمیت شرکتی موثر و شهرت هیئت مدیره، نتایج نشان می‌دهد حضور مدیران زن در شرکت سبب افزایش مدیریت سود واقعی و حق الزحمه حسابرسی می‌شود. استدلال می‌شود مدیران زن با انتخاب حسابرس با کیفیت و به تبع آن پرداخت حق الزحمه بیشتر به وی، در راستای کاهش ریسک گزارشگری مالی گام بر می‌دارند.

اخیراً محققان این خط تحقیقاتی را برای بررسی نقش زنان در جایگاه‌هایی نظیر مدیریت واحد مالی، توسعه داده‌اند. به عنوان مثال هو^۷ و همکاران (۲۰۱۵) و فاسیو^۸ و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند شرکت‌هایی که توسط مدیرعامل زن اداره می‌شوند، دارای اهرم و نوسانات سود کمتر و محافظه‌کاری حسابداری بیشتر بوده و شانس بیشتری برای تداوم جایگاه خود دارند. به باور ولنتین و ریتنبرگ^۹ (۲۰۰۴) علاوه بر اینکه زنان اخلاق مدار تر از مردان می‌باشند، در مورد مسائل اخلاقی سخت‌گیرانه‌تر عمل نموده و بیشتر در برابر رفتارهای غیراخلاقی واکنش نشان

1. Adams, Ferreira
2. Luo
3. Gul
4. Okah
5. Ayer
6. Bhuiyan
7. Hou
8. Faccio
9. Valentine, Rittenburg

می‌دهند. در همین راستا فرانسیس^۱ و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی تاثیر جنسیت مدیر مالی بر سیاست‌های مالی شرکت پرداختند و دریافتند در شرکت‌هایی با مدیر مالی زن، هزینه وام بانکی پایین‌تر، دوره سررسید طولانی‌تر و نسبت به هم‌تایان مرد خود، کمتر درگیر سیاست‌های مالیاتی تهاجمی می‌شوند و این نتایج به ریسک‌گریزی زنان نسبت به مردان استناد شده است.

یافته‌های برخی پژوهش‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی (نظیر آدامز و فریرا^۲، ۲۰۰۹؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۴ و گل^۳ و همکاران، ۲۰۱۱) مبین این است که زنان نسبت به مردان، ریسک‌گریزتر و اخلاق‌مدارتر هستند؛ بنابراین استدلال شده در شرایط حضور مدیر مالی زن در شرکت، احتمال وقوع گزارشگری مالی متقلبانه کاهش می‌یابد (لو^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). با عنایت به اینکه یافته‌های ذکر شده خروجی مطالعات صورت گرفته توسط زنان محقق نبوده، لذا استنباط می‌شود نتایج حاصل شده فاقد هرگونه سوگیری و جانبداری بوده است. زنان تصدی حدود ده درصد از سمت مدیران اجرایی (مدیرعامل) و مدیران ارشد مالی در شرکت‌های آمریکایی را به عهده دارند؛ در همین راستا نتایج برخی تحقیقات صورت گرفته در این خصوص مبین این است که وقوع تقلب احتمالا به دلیل تعداد کم مدیران زن می‌باشد. لو، پنگ و ژانگ^۵ (۲۰۲۰) به بررسی تاثیر جنسیت مدیر مالی بر گزارشگری مالی متقلبانه پرداختند. نتایج پژوهش یاد شده مبین این موضوع است که بین حضور مدیر مالی مونث در شرکت و گزارشگری مالی متقلبانه رابطه‌ای منفی و معنی‌دار وجود داشته و این رابطه منفی، با افزایش تحصیلات و نیز وجود فرصت‌های شغلی بین‌المللی برای مدیر مالی، تقویت می‌شود. همچنین لیو^۶ و همکاران (۲۰۱۶) تاثیر جنسیت مدیر مالی بر مدیریت سود شرکت‌های چینی را بررسی کرد و دریافت که مدیران مالی زن کمتر در مدیریت سود مشارکت داشته و در گزارشگری مالی نسبت به هم‌تایان مرد خود، محافظه‌کارانه‌تر عمل می‌کنند. وانگ^۷ و همکاران (۲۰۲۳) تاثیر جنسیت مدیران ارشد مالی را بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها بررسی نموده و به این نتیجه

1. Francis
2. Adams, R; Ferreira
3. Gul
4. Lou
5. Luo, Zhang
6. Liu
7. Wang

رسیدند که صورت‌های مالی شرکت‌هایی که دارای مدیر مالی زن هستند، نسبت به شرکت‌هایی با مدیران مالی مرد، قابلیت مقایسه بالاتری دارند.

با این حال پژوهش‌ها و مطالعات صورت گرفته همیشه نتایج ثابتی نداشته و مطالعات اخیر در حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، تاثیر جنسیت بر ریسک‌پذیری و مفاهیم اخلاقی را زیر سوال برده است (کروسون و گنیزی^۱، ۲۰۰۹؛ لمستر و استراوا^۲، ۲۰۱۴). یکی از توضیحات برای یافته‌های متفاوت این است که مدیران زن، سهم کمتری از نمونه در مطالعات قبلی را به خود اختصاص داده و به دلیل ماهیت شغل مدیریت مالی، بیشتر زنانی تصدی این سمت را به عهده می‌گیرند که دارای خصوصیات مردانه باشند (آگراوال^۳، ۲۰۱۶). به عبارتی هرچند زنان دارای ویژگی‌های شخصیتی و مشترکی هستند لیکن، در مطالعات صورت گرفته اغلب تاثیر خصوصیات بیولوژیک به عنوان متغیری تاثیرگذار بر ریسک‌پذیری نادیده گرفته شده است. تانگ و ژانگ^۴ (۲۰۲۲) رابطه جنسیت مدیر مالی و اجتناب مالیاتی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که حضور مدیر مالی زن در شرکت، سبب افزایش سیاست‌های مالیاتی تهاجمی می‌شود. استدلال شده که مدیران مالی زن در هنگام اتخاذ سیاست‌های مالیاتی، منافع و هزینه‌های آن را بهتر تحلیل نموده و در این زمینه منطقی‌تر عمل می‌کنند.

به طور کلی از آنجا که مدیران ارشد شرکت‌ها از جمله مدیران مالی در برابر ارائه اطلاعات به موقع و قابل اتکا مسئولیت اخلاقی و قانونی دارند، گزارشگری مالی متقربانه برای آنها دارای آثار سوء خواهد بود. از طرفی با توجه به نتایج تحقیقات صورت گرفته در خصوص تفاوت‌های اساسی در اخلاق‌مداری و ریسک‌پذیری بین مردان و زنان، انتظار می‌رود بین جنسیت مدیر مالی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه‌ای معنی‌دار وجود داشته باشد. لذا فرضیه دوم به شرح ذیل صورتبندی شده است:

H₂: بین جنسیت مدیر مالی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

رابطه بین سابقه حسابرسی مدیر مالی و کیفیت گزارشگری مالی

مدیران مالی معمولاً بر تصمیمات مرتبط با فرایند گزارشگری مالی و صورت‌های مالی ارائه شده بیشترین تاثیر را دارند (جی^۵ و همکاران، ۲۰۱۱). طی فرایند حسابرسی و قبل از صدور

1. Croson, Gneezy
2. Lemaster, Strough
3. Agarwal
4. Tong, Zhang
5. Ge

گزارش حسابرس، مذاکراتی بین حسابرسان و مدیر مالی انجام می‌پذیرد. مدیر مالی انگیزه زیادی برای دفاع از نتیجه کار و افزایش پاداش با ارائه گزارش‌های مالی رضایت بخش داشته و به منظور اجتناب از اخراج و حفظ جایگاه و شهرت، به دنبال نفوذ بر گزارش حسابرس و اخذ گزارش حسابرسی تعدیل نشده می‌باشد (بورکز^۱، ۲۰۱۰). سابقه حسابرسی مدیر مالی به طور بالقوه می‌تواند سبب شکل‌گیری روابطی بین وی و حسابرس شود که نهایتاً اظهار نظر جانبدارانه توسط موسسه حسابرسی را به دنبال خواهد داشت. مضافاً، با عنایت به آگاهی مدیر مالی با سابقه حسابرسی از روش‌های کسب شواهد توسط تیم حسابرسی و فرایند صدور گزارش حسابرس و احتمالاً حوزه گزارشگری مالی که از دید حسابرس پنهان می‌ماند، وی می‌تواند فرایند مزبور را به طور آگانه مختل نموده که این امر سبب کاهش کیفیت گزارش حسابرسی و به دنبال آن کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. پاین و ویلیامسون^۲ (۲۰۲۱) به بررسی این موضوع پرداختند که مدت روابط بین مدیر مالی و موسسه حسابرسی، چگونه می‌تواند کیفیت حسابرسی را تحت تاثیر قرار دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین ارتباط مدیر مالی - حسابرس و کاهش کیفیت گزارشگری مالی (اندازه‌گیری شده با شاخص اقلام تعهدی اختیاری)، کاهش صدور گزارش ابهام در تداوم فعالیت توسط حسابرس و افزایش اخطار توسط نهادهای نظارتی، رابطه معنی داری وجود دارد. با عنایت به مبانی نظری و پیشینه تحقیقات اشاره شده در فوق، انتظار می‌رود بین سابقه حسابرسی مدیر مالی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه‌ای معنی دار وجود داشته باشد. لذا فرضیه سوم به شرح ذیل صورت‌بندی شده است:

H3: بین سابقه حسابرسی مدیر مالی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

نام محققان	موضوع	نتایج
زلفی و همکاران (۱۴۰۰)	بررسی رابطه میانگین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مدیران ارشد و راهبرد مدیریت سود	نتایج حکایت از تاثیر برخی ویژگی‌های مدیران نظیر مدیرعامل، نایب رئیس هیئت مدیره، مدیر مالی و رییس کمیته حسابرسی (به عنوان یک کل) بر مدیریت سود دارد
باتولی و همکاران (۲۰۱۸)	رابطه ویژگی‌های مدیریت با مدیریت سود	ویژگی جمعیت‌شناختی (شامل سن، جنسیت، تحصیلات و تجربه کار مالی) تیم مدیریتی بر هر دو نوع مدیریت سود (مدیریت سود تعهدی و مدیریت واقعی سود) تأثیرگذار بوده که این امر می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهد.

1. Burks

2. Payne and Williamson

نام محققان	موضوع	نتایج
جامعی و نصیری (۱۳۹۸)	بررسی ارتباط جنسیت مدیران شرکت (در سطح هیئت مدیره و مدیرعامل) و محافظه شرطی و غیرشرطی کاری	به این نتیجه رسیدند که مدیران زن در قیاس با مدیران مرد محافظه کارتر می باشند.
احمدپور و همکاران (۱۳۹۴)	رابطه بین کیفیت سود و دوره تصدی	به این نتیجه رسیدند که مدیران عامل با دوره تصدی بلندمدت در مقایسه با مدیران عامل با دوره تصدی کوتاه مدت گزارشگری جسورانه‌تری دارند.
داس، برونسین و اسپجر (۲۰۱۷)	رابطه اعتبار بین المللی مدیر ارشد با کیفیت گزارشگری مالی	نتایج نشان داده که بهبود کیفیت گزارشگری مالی با اعتبار خارجی مدیر مالی در ارتباط بوده لیکن، این رابطه در خصوص مدیر عامل صادق نمی باشد
سپاسی و حسنی (۱۳۹۵)	تاثیر دینداری مدیران مالی با مدیریت سود تعهدی و واقعی	به این نتیجه رسیدند که افزایش سطح دینداری مدیران مالی سبب تمایل به استفاده از راهبرد مدیریت سود واقعی نسبت به دستکاری ارقام تعهدی می شود.
فلوراکیس و سانینی (۲۰۲۱)	تاثیر توانایی مدیر مالی بر میزان انعطاف پذیری مدیرعامل جهت مدیریت سود	نتایج پژوهش نشان می دهد در شرکت‌هایی با مدیر مالی مقاوم، توانایی مدیرعامل جهت مدیریت سود کاهش می یابد.
فو و ژانگ (۲۰۱۹)	تاثیر پیشینه فرهنگی مدیر مالی بر ریسک سقوط قیمت سهام	نتایج این مطالعه نشان می دهد حضور مدیران مالی دارای سابقه فرهنگی اجتناب از عدم اطمینان، سبب کاهش ریسک سقوط قیمت سهام می شود. این ارتباط در شرایط حضور مدیر مالی با قدرت نفوذ بیشتر، تشدید می شود.
فریر و سانینی (۲۰۲۱)	ارتباط بین میزان نفوذ مدیر مالی بر تصمیمات شرکت در خصوص ادغام و اکتساب	نتایج پژوهش آنها نشان می دهد که مدیر مالی با نفوذ (اندازه گیری شده با شاخص های تجربه، دستمزد و قد مدیر مالی) اهداف شرکت را بهتر دنبال نموده و قدرت بیشتری در پیگیری اهداف شرکت دارند.
موتاکین و تانونسکی (۲۰۱۹)	تاثیر دوره تصدی مدیر مالی و عضویت وی در هیئت مدیره را بر سطح محافظه کاری حسابداری در شرکت‌های استرالیایی	نتایج پژوهش مبین افزایش سطح محافظه کاری حسابداری در شرایط افزایش دوره تصدی و حضور مدیر مالی در هیئت مدیره می باشد.
فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳)	تاثیر جنسیت مدیر مالی بر سیاست‌های مالی	در شرکت‌هایی با مدیر مالی زن، هزینه وام بانکی پایین تر، دوره سررسید طولانی تر و نسبت به همتایان مرد خود، کمتر درگیر سیاست‌های مالیاتی تهاجمی می شوند و این نتایج به ریسک‌گریزی زنان نسبت به مردان استناد شده است.
ژانگ (۲۰۲۰)	تاثیر جنسیت مدیر مالی بر گزارشگری مالی متقلبانه	نتایج پژوهش یاد شده مبین این موضوع است که بین حضور مدیر مالی مونث در شرکت و گزارشگری مالی متقلبانه رابطه‌ای منفی و معنی دار وجود داشته و این رابطه منفی، با افزایش تحصیلات و نیز وجود فرصت‌های شغلی بین المللی برای مدیر مالی، تقویت می شود.
تانگ و ژانگ (۲۰۲۲)	رابطه جنسیت مدیر مالی و اجتناب مالیاتی	حضور مدیر مالی زن در شرکت، سبب افزایش سیاست‌های مالیاتی تهاجمی می شود. استدلال شده که مدیران مالی زن در

نام محققان	موضوع	نتایج
پاین و ویلیامسون (۲۰۲۱)	تاثیر مدت روابط بین مدیر مالی و موسسه حسابداری بر کیفیت حسابداری	هنگام اتخاذ سیاست‌های مالیاتی، منافع و هزینه‌های آن را بهتر تحلیل نموده و در این زمینه منطقی‌تر عمل می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین ارتباط مدیر مالی - حسابرسان و کاهش کیفیت گزارشگری مالی (اندازه‌گیری شده با شاخص اقلام تعهدی اختیاری)، کاهش صدور گزارش ابهام در تداوم فعالیت توسط حسابرسان و افزایش اختصار توسط نهادهای نظارتی، رابطه معنی‌داری وجود دارد.
انورخطیبی و همکاران (۱۳۹۸)	بررسی تاثیر کیفیت حسابداری از دیدگاه گروه‌های مختلف بر کیفیت گزارشگری مالی	تفاوت معناداری بین گروه‌های مختلف در خصوص ارتباط بین شاخص‌های کیفیت حسابداری و کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد.
اخگر و کرمی (۱۳۹۳)	بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی	نتایج این بررسی نشان می‌دهد که متغیرهای اندازه شرکت، سودآوری، نقدینگی و رشد شرکت دارای رابطه مثبت و معنی‌دار و متغیرهای اهرم و ترکیب هیأت مدیره رابطه‌ای منفی و معنی‌دار با کیفیت گزارشگری مالی دارند و همچنین متغیر سهامداران نهادی رابطه‌ای معنی‌دار بر متغیر وابسته پژوهش ندارد. نتایج نشان می‌دهد که بین سیاست تقسیم سود و کیفیت گزارشگری مالی (کیفیت اقلام تعهدی و پیش‌بینی‌کنندگی سود) شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج بیانگر آن است که نوع مالکیت شرکت (دولتی یا غیردولتی) این رابطه را تعدیل می‌کند. به علاوه، تأمین مالی از محل افزایش سرمایه، فقط رابطه تقسیم سود و محافظه‌کاری را تعدیل می‌کند.
اسکندر و بلوری (۱۴۰۰)	اثر تعدیلگر تأمین مالی از محل افزایش سرمایه و نوع مالکیت بر رابطه بین سیاست تقسیم سود و کیفیت گزارشگری مالی	

روش شناسی پژوهش

مطالعه حاضر از بابت هدف کاربردی و از بابت ماهیت، پژوهش توصیفی بوده و در حوزه مطالعات پس رویدادی قرار می‌گیرد و از اطلاعات واقعی صورت‌های مالی شرکت‌های بورسی جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده نموده که با روش استقرایی به کل جامعه آماری تعمیم یافته است. همچنین به منظور تعیین نمونه آماری، روش غربالگری مورد استفاده قرار گرفته؛ در همین راستا از بین شرکت‌های پذیرش شده در بورس اوراق بهادار، ۱۳۵ شرکت با ویژگی‌های ذیل، به عنوان نمونه انتخاب و داده‌های آن‌ها تحلیل شد:

- ۱- سال مالی شرکت به پایان اسفند ماه هر سال منتهی شود.
- ۲- طی بازه زمانی پژوهش شرکت تغییر سال مالی نداده باشد.
- ۳- جزو شرکت‌های هلدینگ، سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد.
- ۴- داده‌های مورد نیاز شرکت مربوطه در دسترس باشد.

همچنین دوره زمانی پژوهش، بازه بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ می‌باشد.

اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته - کیفیت گزارشگری مالی

یکی از متداول‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی، شاخص ارقام تعهدی اختیاری است. در مطالعه حاضر نیز برای سنجش متغیر وابسته، از شاخص ارقام تعهدی اختیاری استفاده شده است. در همین راستا با استفاده از مدل کازنیک^۱ (۱۹۹۹)، ارقام تعهدی اختیاری در مقاطع زمانی حوزه زمانی پژوهش برآورد شده و باقی مانده مدل به عنوان معیار مدیریت سود تعهدی (معکوس کیفیت گزارشگری مالی) استفاده گردیده است.

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} \right) - \left(\frac{\Delta AR_{it}}{A_{it-1}} \right) \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_4 \left(\frac{\Delta CFO_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن: i مبین شرکت و t نشان‌دهنده زمان، TA سود (زیان) خالص به کسر جریان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، ΔREV تغییر در درآمدهای عملیاتی، ΔAR تغییر در مطالبات، PPE کل دارایی‌های ثابت مشهود، ΔCFO تغییر در جریان‌های نقدی حاصل از عملیات و A_{t-1} جمع دارایی‌های شرکت در سال گذشته تعریف می‌شود. مقادیر بالاتر قدر مطلق ارقام تعهدی اختیاری، به مدیریت سود بیشتر و کیفیت گزارشگری مالی پایین‌تر تعبیر می‌شود. همچنین برای هم‌جهت کردن خروجی مدل یاد شده با متغیر وابسته (کیفیت گزارشگری مالی) مقادیر خروجی این مدل در منفی یک ضرب می‌شود.

متغیر مستقل - ویژگی‌های مدیر مالی

در پژوهش حاضر برخی ویژگی‌های مدیر مالی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. منظور از مدیر مالی بالاترین مقام مالی در هر شرکت می‌باشد که اطلاعات مربوطه شامل دوره تصدی، سابقه حسابرسی و جنسیت آن‌ها، طبق اطلاعیه "مشخصات کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی" توسط شرکت‌های بورسی در سایت کدال افشا می‌گردد. در ادامه نحوه اندازه‌گیری هر کدام از این ویژگی‌ها ذکر شده است:

1. Kaznigh

۱. سابقه حسابرسی مدیر مالی: متغیر مزبور متغیری مجازی بوده که در صورتی که مدیر مالی شرکت دارای سابقه حسابرسی باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد.
۲. جنسیت مدیر مالی: این متغیر متغیری مجازی بوده که در صورتی که مدیر مالی شرکت زن باشد عدد یک و در صورتی که مرد باشد صفر می‌پذیرد.
۳. دوره تصدی مدیر مالی: عبارت است از تعداد سال‌هایی که شخص در سمت مدیر مالی در هر شرکت مشغول خدمت بوده است.

متغیرهای کنترلی

- اندازه حسابرس (Biga): در صورتی که حسابرس شرکت موسسه بزرگ (موسسه مفید راهبر یا سازمان حسابرسی) باشد عدد ۱ و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد.
- تغییر حسابرس (Rot): در صورتی که حسابرس شرکت تغییر یافته باشد عدد ۱ و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد.
- اهرم مالی (Lev): عبارت است از جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌های شرکت.
- اندازه شرکت (Size): شامل لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت.
- فرصت رشد (MTB): عبارت است نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام.
- عمر شرکت (Age): لگاریتم طبیعی فاصله بین تاریخ تأسیس تا پایان سال مورد مطالعه.
- نوسانات درآمد عملیاتی (EVOL): عبارت است از انحراف معیار جمع درآمدهای عملیاتی (همگن شده با جمع دارایی‌ها)
- متغیر مجازی افزایش سرمایه (SEO): در صورتی که شرکت طی سال مورد افزایش سرمایه داده باشد، یک و در غیر این حالت صفر می‌پذیرد.

مدل‌های آزمون فرضیه‌ها

به منظور آزمون فرضیه‌های این مطالعه، از رگرسیون حداقل چند متغیره استفاده شده؛ بنابراین از مدل تجربی ذیل جهت آزمون مفروضات استفاده گردیده:

$$\begin{aligned} FRQ_{it} = & \beta_0 + \beta_1 Tenure_{it} + \beta_1 Gender_{it} + \beta_1 audit_{it} + \beta_2 Biga_{it} + \beta_3 \\ Rot_{it} + & \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 MTB_{it} + \beta_7 Age_{it} + \beta_8 SEO_{it} + \beta_9 \\ EVOL_{it} + & \varepsilon \end{aligned} \quad (2)$$

که در آن FRQ کیفیت گزارشگری مالی، Tenure دوره تصدی مدیر مالی، Gender جنسیت مدیر مالی و audit سابقه حسابرسی مدیر مالی و سایر متغیرها به شرح یاد شده در بخش معرفی متغیرهای کنترلی، تعریف می‌شود.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

همانگونه که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود مقدار میانگین برای متغیر جنسیت مدیر مالی حدوداً ۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد به طور میانگین در ۵ درصد شرکت‌های نمونه، مدیر مالی زن بوده؛ همچنین میانگین متغیر سابقه حسابرسی مدیر مالی و اندازه حسابرس به ترتیب مبین این موضوع است که به طور متوسط در ۳۰ درصد شرکت‌های نمونه، مدیر مالی دارای سابقه حسابرسی بوده و حسابرس ۲۵ درصد شرکت‌های نمونه سازمان حسابرسی یا موسسه مفید راهبر (حسابرس بزرگ) بوده است. مضافاً همانطور که مشاهده می‌شود میانه متغیر تصدی مدیر مالی ۳ بوده است که نشان می‌دهد دوره تصدی مدیر مالی در بیش از ۵۰ درصد شرکت‌های نمونه، بیش از ۳ بوده است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف استاندارد
عمر شرکت	AGE	۴۲/۱۸۸۹	۴۵/۰۰۰۰	۶۸/۰۰۰۰	۱۶/۰۰۰۰	۱۲/۲۴۴۳
سابقه حسابرسی مدیر مالی	AUDIT	۰/۳۰۸۲	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۶۲۰
اندازه حسابرس	BIGA	۰/۲۵۶۸	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۳۷۱
نوسانات درآمد عملیاتی	EVOL	۰/۱۸۱۰	۰/۱۴۱۱	۰/۴۸۲۰	۰/۰۴۵۱	۰/۱۱۹۹
کیفیت گزارشگری مالی	FRQ	-۰/۱۶۳۹	-۰/۱۱۰۶	-۰/۰۱۰۳	-۰/۵۷۰۶	۰/۱۵۰۰
جنسیت مدیر مالی	GENDER	۰/۰۵۵۹	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۲۲۹۹
اهرم مالی	LEV	۰/۵۶۱۳	۰/۵۴۶۹	۱/۰۶۰۹	۰/۱۷۰۹	۰/۲۳۲۴
فرصت رشد	MTB	۶/۲۸۴۵	۴/۰۵۱۴	۲۴/۲۲۴۳	-۰/۴۶۷۲	۶/۳۸۰۳
چرخش حسابرس	ROT	۰/۲۷۴۸	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۴۶۷
افزایش سرمایه	SEO	۰/۲۶۷۷	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۴۳۰
اندازه شرکت	SIZE	۱۵/۰۷۵۷	۱۴/۹۲۸۲	۱۷/۹۶۸۲	۱۲/۸۹۹۰	۱/۳۳۳۵
دوره تصدی مدیر مالی	TENURE	۴/۷۵۵۵	۳/۰۰۰۰	۲۷/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۴/۸۴۶۱

نتایج آزمون فرضیه‌ها

در جدول (۲) نتایج تخمین مدل تحقیق ارائه شده؛ سطح معنی‌داری آزمون F برابر ۰,۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شده و مدل معنی‌دار است. مقدار آماره دوربین-واتسون ۲,۲۸ بوده و مبین برقرار فرضیه کلاسیک رگرسیون در خصوص عدم وجود خود همبستگی خطاها می‌باشد. مضافاً ضریب تعیین تعدیل شده مبین این است که تقریباً ۱۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده شده است.

جدول ۳. نتایج تخمین مدل پژوهش

$FRQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 Tenure_{it} + \beta_1 Gender_{it} + \beta_1 audit_{it} + \beta_2 Biga_{it} + \beta_3 Rot_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 MTB_{it} + \beta_7 Age_{it} + \beta_8 SEO_{it} + \beta_9 EVOL_{it} + \varepsilon$					
متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت (عرض از مبدأ)	C	۰/۱۵۴۶	۰/۰۵۷۶	۲.۶۸۴۵	۰.۰۰۷۵
دوره تصدی مدیر مالی	TENURE	-۰/۰۰۴۶	۰/۰۰۱۸	-۲.۴۹۰۲	۰.۰۱۳۰
جنسیت مدیر مالی	GENDER	-۰/۰۱۹۶	۰/۰۰۵۰	-۳.۹۳۳۷	۰.۰۰۰۱
سابقه حسابرسی مدیر مالی	AUDIT	-۰/۰۱۱۰	۰/۰۰۹۳	-۱.۱۸۲۵	۰.۲۳۷۵
اندازه حسابرسی	BIGA	۰/۰۰۵۳	۰/۰۰۸۶	۰.۶۱۳۵	۰.۵۳۹۸
چرخش حسابرسی	ROT	-۰/۰۱۷۱	۰/۰۰۳۱	-۵.۴۵۳۰	۰.۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰/۰۰۹۳	۰/۰۲۱۸	۰.۴۲۸۳	۰.۶۶۸۶
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۱۴۰	۰/۰۰۵۲	-۲.۶۹۹۹	۰.۰۰۷۱
فرصت رشد	MTB	-۰/۰۰۳۴	۰/۰۰۰۳	-۱۲.۰۹۳۶	۰.۰۰۰۰
عمر شرکت	AGE	-۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۰۴	-۲.۵۴۶۹	۰.۰۱۱۱
افزایش سرمایه	SEO	-۰/۰۰۶۱	۰/۰۰۴۶	-۱.۳۲۱۳	۰.۱۸۶۹
نوسانات درآمد عملیاتی	EVOL	-۰/۰۱۳۷	۰/۰۰۴۶	-۰.۳۳۲۲	۰.۷۳۵۳
ضریب تعیین		۰/۰۹۶۲		دوربین-واتسون	۲.۲۸۵۰
آماره F		۶/۴۷۶۸		احتمال (آماره F)	۰/۰۰۰۰

نتایج آزمون فرضیه اول

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده شده، ضریب متغیر دوره تصدی مدیر مالی، ۰,۰۰۴- بوده که نشان دهنده رابطه منفی دوره تصدی مدیر مالی و کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد؛ که با توجه به سطح معنی‌داری (۰,۰۱) که کمتر از ۵ درصد می‌باشد، معنی‌دار می‌باشد. با توجه به

موارد فوق، فرضیه اول تحقیق رد نمی‌شود. به عبارتی نتایج پژوهش مبین این موضوع است که با افزایش دوره تصدی مدیر مالی در شرکت، کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد.

نتایج آزمون فرضیه دوم

همچنین طبق نتایج آزمون مدل پژوهش، ضریب متغیر دوره جنسیت مدیر مالی، 0.19 - بوده که نشان دهنده رابطه منفی دوره جنسیت مدیر مالی و کیفیت گزارشگری مالی بوده و با توجه به سطح معنی‌داری (0.00) ضریب متغیر یاد شده، معنی‌دار می‌باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه دوم تحقیق رد نمی‌شود. به عبارتی نتایج پژوهش مبین این موضوع است که در صورت حضور مدیر مالی زن در شرکت، کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد.

همچنین نتایج آزمون اضافی (آزمون t) در خصوص مقایسه میانگین کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌هایی با مدیر مالی زن و مرد در جدول ذیل ارائه شده است. همانگونه که ملاحظه می‌گردد، نتایج آزمون یاد شده نیز نتایج فرضیه دوم را تایید نموده است.

جدول ۴. نتایج آزمون اضافی

نوع آزمون	درجه آزادی	آماره	احتمال
آزمون t-test	۷۶۶	۲/۲۳۱	۰/۰۲۶
Satterthwaite-Welch t-test*	۵۷.۵۱	۲/۵۷۷	۰/۰۱۲۶
متغیر جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
۰	۷۱۹	-۰/۱۰۳۰	۰/۱۹۷۰
۱	۴۹	-۱/۱۲۱۳	۰/۱۶۷۰

نتایج آزمون فرضیه سوم

در نهایت نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر سابقه حسابرسی مدیر مالی، 0.01 - بوده که نشان دهنده رابطه منفی سابقه حسابرسی مدیر مالی و کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد؛ که با توجه به سطح معنی‌داری (0.23) که بیش از ۵ درصد می‌باشد، معنی‌دار نمی‌باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه سوم تحقیق تایید نمی‌شود.

بحث و نتیجه گیری

مدیران مالی، بر سیستم کنترل داخلی و فرایندهای مالی نظیر گزارشگری مالی نظارت نموده و در میان مدیران ارشد سازمان، بیشترین تاثیر را بر صورت‌های مالی دارند. یک مدیر مالی با

تجربه، باید درک درستی از جمع آوری اطلاعات توسط سیستم حسابداری شرکت و نیز این موضوع که سیستم کنترل داخلی از کفایت لازم برخوردار می‌باشد، داشته باشند. علاوه بر این مدیران مالی از طریق تعامل با مشارکت کنندگان در بازار سرمایه، اعتباردهندگان، تحلیل‌گران و نهادهای حرفه‌ای، درک مناسب از نیازهای اطلاعاتی آنها داشته و می‌توانند از این طریق بر گزارشگری مالی تاثیرگذار باشند. در مجموع در ادبیات و مطالعات اخیر، شواهدی قابل تامل مبنی بر نقش مدیران مالی در تصمیمات اقتصادی و مالی شرکت مشاهده می‌شود. با عنایت به اهمیت نقش مدیر مالی در ساختار حاکمیت شرکتی، در سالیان اخیر توجه خاصی به جایگاه آن‌ها شده و در قوانین و ضوابط تعیین شده توسط نهادهای قانون‌گذار، مسئولیت‌ها و تکالیفی را بر عهده آن‌ها قرار داده‌اند. با عنایت به اهمیت موضوع جایگاه مدیران مالی، در این مطالعه تاثیر برخی ویژگی‌های مدیران مالی بر کیفیت گزارشگری مالی را مورد بررسی قرار گرفته است. به طور خاص با عنایت به مبانی نظری موجود در خصوص تاثیر دوره تصدی، جنسیت و سابقه حسابرسی مدیر مالی بر تصمیمات مالی، این پژوهش تاثیر ویژگی‌های مزبور بر کیفیت گزارشگری مالی را مورد توجه قرار داده است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که با افزایش دوره تصدی مدیران مالی در شرکت، کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد. نتایج پژوهش اینگونه تحلیل می‌شود که افزایش دوره تصدی موجب نفوذ مدیر مالی در سازمان شده و این موضوع می‌تواند سبب ارائه گزارش‌های غیرمنصفانه با هدف تامین منافع مدیران مزبور گردد. مضافاً افزایش دوره تصدی موجب افزایش حاشیه امن مدیران مالی شده و همین موضوع می‌تواند در همراهی آن‌ها با مدیران ارشد شرکت به منظور حفظ جایگاه خود، تاثیرگذار باشد. نتایج آزمون این فرضیه مطابق با نتایج پژوهش موتاکین و تانونسکی (۲۰۱۹) و فلوراکیس و ساینانی (۲۰۲۱) بوده لیکن با نتایج مطالعات علی و ژانگ (۲۰۱۵) و میلیورن (۲۰۱۵) مطابقت ندارد.

از طرفی نتایج پژوهش مبین این موضوع است که حضور مدیر مالی زن در شرکت، کاهش کیفیت گزارشگری مالی را به دنبال دارد. هرچند مطالعات گذشته مبین عملکرد محافظه کارانه مدیران زن در گزارشگری مالی بوده لیکن، مطالعات اخیر در حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، تاثیر جنسیت بر ریسک‌پذیری و مفاهیم اخلاقی را زیر سوال برده است. اینگونه استدلال می‌شود که مدیران مالی زن در هنگام اتخاذ سیاست‌های مالی تهاجمی، منافع و هزینه‌های آن را بهتر تحلیل نموده و در این زمینه حرفه‌ای‌تر عمل می‌کنند. نتایج این پژوهش مطابق با نتایج

مطالعات کروسون و گنیزی (۲۰۰۹) و لمستر و استراو (۲۰۱۴) بوده لیکن با نتایج تحقیقات لیو و همکاران (۲۰۱۶) و وانگ و همکاران (۲۰۲۳) مطابقت ندارد.

در نهایت نتایج پژوهش هر چند مبین تاثیر منفی سابقه حسابرسی مدیر مالی بر کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد، لیکن این نتایج از نظر آماری معنی دار نمی باشد. اینگونه استدلال می‌شود مدیران مالی که دارای سابقه حسابرسی باشند، از روش‌های رسیدگی حسابرس و احتمالاً موارد تحریفی که از چشم حسابرسان پنهان می‌ماند آگاهی داشته و از این اطلاعات خود به می‌توانند به منظور پیگیری گزارشگری مالی تهاجمی استفاده نمایند.

با توجه به نقش و جایگاه مدیران مالی و تاثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی، پیشنهاد می‌شود ناظران بازار سرمایه در راستای بهبود کیفیت گزارشگری مالی چارچوبی را به منظور افزایش مسئولیت پذیری آنها تعیین نمایند. به عنوان مثال پس از تصویب قانون ساربنز اکسلی در سال ۲۰۰۲ در ایالات متحده، مدیران مالی مکلف شدند صحت و کامل بودن گزارش‌های مالی سالانه و فصلی شرکت را تایید نمایند. قانون مذکور با انتقال مسئولیت بیشتر به مدیران مذکور، در راستای افزایش قابلیت اتکای صورت‌های مالی و کفایت افشای اطلاعات گام برداشت؛ لذا توصیه می‌شود سازمان بورس و اوراق بهادار در ضوابط موجود نظیر دستورالعمل حاکمیت شرکتی، مسئولیت‌هایی را برای مدیران مالی در نظر گرفته و در راستای ضمانت اجرایی آن، ضوابط لازم در نظر گرفته شود. همچنین به حسابرسان توصیه می‌شود در برنامه ریزی و برآورد ریسک حسابرسی، شاخص مدیر مالی شرکت را به عنوان عاملی موثر بر کیفیت گزارشگری مالی و به تبع آن ریسک عدم کشف حسابرسی در نظر داشته باشند.

به مانند بسیاری از تحقیقات، این پژوهش نیز دارای محدودیت‌هایی بوده است. به عنوان مثال در این مطالعه، جهت اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی، از مدل‌های کازنیک (۱۹۹۹) استفاده شده؛ در صورت استفاده از سایر مدل‌های اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی، ممکن بود نتایج متفاوتی حاصل شود. مضافاً علیرغم وجود شرایط تورمی در اقتصاد کشور، ارقام صورت‌های مالی شرکتها که به عنوان بخش عمده ای از داده‌های این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، ناشی از آثار تورم تعدیل نشده است. در صورت تعدیل صورت‌های مالی بر اساس تورم، احتمالاً نتایج متفاوتی مشاهده می‌گردید؛ لذا این موضوع نیز جزو محدودیت‌های پژوهش می‌باشد. همچنین حضور مدیران مالی زن در شرکت‌های حاضر در محیط اقتصادی کم‌رنگ می‌باشد؛ طبق آمار توصیفی زنان در حدود ۵ درصد شرکت‌های نمونه به عنوان مدیر

مالی حضور داشته اند؛ در صورت افزایش این نسبت، احتمالاً نتایج متفاوتی را شاهد می‌بودیم. همچنین در طول پژوهش نکات جدیدی مطرح شد که می‌تواند ایده خوبی برای پژوهش‌های آینده باشد؛ این پیشنهادها به این شرح است:

- رابطه ویژگی‌های مدیر مالی بر محافظه کاری حسابداری
- رابطه ویژگی‌های مدیر مالی بر کیفیت سود
- تاثیر تحصیلات مدیر مالی بر کیفیت گزارشگری مالی
- تاثیر تجربه مدیر مالی (سابقه کاری) بر کیفیت گزارشگری مالی

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

منابع

- احمدپور، احمد؛ اصابت طبری، عصمت؛ طالب تبار آهنگر، میثم. (۱۳۹۴). رابطه بین کیفیت سود و دوره تصدی مدیرعامل، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۵: ۱-۱۴.
- اخگر، محمد امید؛ کرمی، افشار. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری، دوره ۱ (۴)، ۱-۲۲.
- اسکندر، هدی و بلوری، امین. (۱۴۰۰). اثر تعدیلگر تامین مالی از محل افزایش سرمایه و نوع مالکیت بر رابطه بین سیاست تقسیم سود و کیفیت گزارشگری مالی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۸ (۲)، ۲۰۶-۲۲۵.
- انورخطیبی، سعید؛ برادران حسن زاده، رسول؛ متقی، علی اصغر و تقی زاده، هوشنگ. (۱۳۹۸). بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی از دیدگاه گروه‌های مختلف بر کیفیت گزارشگری مالی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۸ (۳۱)، ۲۴۵-۲۵۹.
- جامعی، رضا و نصیری، بهنام. (۱۳۹۸). نقش جنسیت مدیران ارشد شرکت بر محافظه کاری شرطی و غیرشرطی با تاکید بر ریسک تجاری و مالی. پژوهشنامه زنان، ۱۰ (۴) (پیاپی ۳۰)، ۳۷-۶۰.
- حاجیها، زهره و آریان مفرد، حمیدرضا. (۱۳۸۹). رابطه رفتار سیاسی مدیران ارشد مالی و شاخص‌های عملکرد مالی شرکت‌ها. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۲ (۸)، ۱۶۱-۱۸۵.
- زلفی، حسن؛ منصوری، کفسان و افلاطونی، عباس. (۱۴۰۰). ویژگی‌های جمعیت شناختی مدیران ارشد و راهبرد مدیریت سود. راهبرد مدیریت مالی، ۹ (۳۵)، ۶۵-۸۶.
- سیاسی، سحر و حسنی، حسن. (۱۳۹۵). رابطه باورهای دینی مدیران با رفتار مدیریت سود، حسابداری ارزشی و رفتاری، ۱ (۲)، ۱۷-۴۰.
- قدرتی زوارم، عباس؛ آذین فر، کاوه؛ نبوی چاشمی، سید علی؛ داداشی، ایمان. (۱۴۰۰). سطح هورمون تستوسترون مدیرعامل و گزارشگری مالی متقلبان، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۱: ۲۷-۴۶.

References

- Adams, R.B; Ferreira, D; 2009. Women in the boardroom and their impact on governance and performance. *J. Financ. Econ.* 94 (2), 291-309.
- Agarwal, S; Qian, W; Reeb, D.M; Sing, T.F; 2016. Playing the boys game: golf buddies and board diversity. *Am. Econ. Rev.* 106 (5), 272-276.
- Ahmadpour, A; as abet, E; Taleb Ahangar, M; 2015. The relationship between earnings quality and CEO tenure, *empirical accounting research*, 5: 1-14. (in Persian).
- Aier, J.K; Comprix, J; Gunlock, M.T; Lee, Deanna, 2005. The financial expertise of CFOs and accounting restatement. *Account. Horiz.* 19 (3), 123-135.

- Akhgar, M; Karami, A. 2014. Investigating the effect of company characteristics on the quality of financial reporting of companies admitted to the Tehran Stock Exchange, *Accounting reviews*, 1: 1-22. (In Persian).
- Ali, A; Zhang, W; 2015. CEO tenure and earnings management. *J. Account. Econ.* 59(1), 60-79.
- Anvar Khatibi, S; Baradaran Hasanzade, R; Monghi, A. 2019. Investigating the impact of audit quality from the perspective of different groups on the quality of financial reporting, *knowledge of Accounting and management audit*, 8(31), 245-259. (In Persian).
- Barua, A; Davidson, L.F; Rama, D.V; Thiruvadi, S; 2010. CFO gender and accruals quality. *Account. Horiz.* 24 (1), 25-39.
- Bergstresser, D; & Philippon, T. (2006). CEO incentives and earnings management. *Journal of Financial Economics*, 80(3), 511-529.
- Bhuiyan, M. Rahman, A. Sultana, N. 2020. Female tainted directors, financial reporting quality and audit fees, *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 16: 1-16.
- Burks, J; 2010. Disciplinary measures in response to restatements after Sarbanes-Oxley. *J. Account. Public Policy*, 29 (3), 195-225.
- Croson, R; Gneezy, U; 2009. Gender differences in preferences. *J. Econ. Lit.* 47 (2), 448-474.
- Dauth, T; Pronobis, P; Schmid, S. 2017. Exploring the link between internationalization of top management and accounting quality: The CFO's international experience matters, *International Business Review*, 26 (2017) 71-88.
- Dearborn, D.C; Simon, H.A; 1958. Selective perception: a note on the departmental identifications of executives. *Sociometry*, 21, 140-144.
- Eskandari, H. Bolori, A. 2021. The moderating effect of financing from of capital increase and type of ownership on the relationship between the dividend policy and the quality of financial reporting. *Accounting and auditing reviews*, 28 (2), 206-225. (In Persian).
- Faccio, M; Marchica, M.T; Mura, R; 2016. CEO gender, corporate risk-taking, and the efficiency of capital allocation. *J. Corp. Finan.* 39, 193-209.
- Ferris, S. Sainani, S. 2021. Do CFOs matter? Evidence from the M&A process, *Journal of Corporate Finance*, 67: 1-24.
- Florackis, C., Sainani, S. 2021. Can CFOs resist undue pressure from CEOs to manage earnings? *Journal of Corporate Finance*, 67: 32-49.
- Francis, B; Hasan, I; Wu, Q; Yan, M; 2014. Are female CFOs less tax aggressive? Evidence from tax aggressiveness. *J. Am. Tax. Assoc.* 36 (2), 171-202.
- Francis, J; LaFond, R; Olsson, P. M; & Schipper, K. (2004). Costs of equity and earnings attributes. *The Accounting Review*, 79(4), 967-1010.
- Fu, X. Zhang, Z; 2019. CFO cultural background and stock price crash risk, *J. Int. Financ. Markets Inst. Money* 62: 74-93.
- Ge, W; Matsumoto, D; Zhang, J.L; 2011. Do CFOs have style? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on accounting practices. *Contemp. Account. Res.* 28 (4), 1141-1179.
- Ge, W; Matsumoto, D; Zhang, J.L; 2011. Do CFOs have style? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on accounting practices. *Contemp. Account. Res.* 28 (4), 1141-1179.

- Geiger, M; North, D; 2006. Does hiring a new CFO change things? An investigation of changes in discretionary accruals. *Account. Rev.* 81(4), 781-809.
- Ghodrati zavarem, A; Azinfar, K. Dadashi, I; 2021. CEO Testosterone Levels and Fraudulent Financial Reporting, *Empirical Accounting Research*, 11: 27-46. (In Persian).
- Gul, F.A; Srinidhi, B; Ng, A.C; 2011. Does board gender diversity improve the informativeness of stock prices? *J. Account. Econ.* 51 (3), 314–338.
- Hajiha, Z, Aryanmonfared, H; 2009. The relationship between the political behavior of senior financial managers and the financial performance indicators of companies. *Financial accounting and audit research*, 2: 161-185. (In Persian).
- Jamei, R; Nasiri, B; 2019. The role of gender of senior managers of the company on conditional and unconditional conservatism with emphasis on commercial and financial risk. *Women's Journal*, 10:37-60. (in Persian)
- Sepasi, S; Hasani, H; 2016. The relationship between managers' religious beliefs and earnings management behavior, *value and behavioral accounting*, 1:17-40. (In Persian).
- Zolfi, H; Mansori, K; Aflatoni, A; 2021. Demographic characteristics of senior managers and earnings management strategy. *Financial management strategy*, 9: 65-86. (In Persian).

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.